

## ارسالی زراشت آصفی از سویس

### نامه ی ابراهام فرانکلن به آموزگار پسرش

به پسرم درس بدهید او باید بداند که همه ء مردم عادل و همه ء آنها صادق نیستند.  
اما پسرم بیاموزد که به ازای هر شیاد، انسان صدیقی هم وجود دارد.  
به او بیاموزید که به ازای هر سیاستمدار خود خواه رهبر جوانمردی هم یافت میشود.  
به او بیاموزید که در ازای هر دشمن دوستی هم است.  
میدانم وقتگیر است اما به او بیاموزید اگر با کار و زحمت خویش یک دلار کاسبی کند بهتر از آنست که جای روی زمین پنج دلار بیاید.  
به او بیاموزید که از باختن پند بگیرد. از پیروزی لذت ببرد. او را از غبطه بر حذر دارید. به او نقش و تأثیر مهم خندیدن را یاد آور شوید.  
اگر میتوانید به او نقش کتاب در زندگی را آموزش دهید.  
به او بگوئید تعمق کند، به پرندگان در حال پرواز در آسمان دقیق شود. به گلهای درون باغچه و زنبور ها که در هوا پرواز می کنند دقیق شود.  
به پسرم بیاموزید که در مدرسه بهتر اینست که مردود شود. اما با تقلب به قبولی نرسد.  
به پسرم یاد بدهید به ملایم ها ملایم و با گردن کش گردن کش باشد. به او بگوئید به عقایدش ایمان داشته باشد حتی بر خلاف مردم اگر حرف بزند.  
به پسرم یاد بدهید همهء حرفها را بشنود و سخنی را که بنظرش درست می رسد انتخاب کند.  
ارزشهای زندگی را به پسرم آموزش دهید اگر میتوانید به پسرم یاد بدهید در اوج اندوه تبسم کند. به او یاد بدهید که از ریختن اشک خجالت نکشد.  
به او بیاموزید که می تواند برای فکرو شعورش مبلغی تعیین کند. ام قیمت گذاری برای دل بی معناست  
به او بگوئید که تسلیم هیاهو نشود و اگر گفته ای را بر حق میدانند پای سخنش بایستند و با تمام قوا بجنگد.  
در کار تدریس پسرم ملایمت به خرج دهید و اما از او یک ناز پرور نسازید. بگذارید که شجاع باشد.  
به او بیاموزید که بمرم اعتبار داشته باشد. توقع زیادی است اما ببینید که چه میتوانید بکنید.  
پسرم کودک بسیار خوبی است.